پرچم

ا. عمر فیض – کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (پانزدهم) دوشنبه ۲۷جوزا– ۱۳۴۷ ه – ۱۷ جون ۱۹۶۸ ع

مبارزات قهرمانانه کارگران رزمنده نساجی گلبهار

درشماره گذشتهٔ پر چم شرح مسبوطی پیرامون تظاهرات با شکوه کارگران فابریکه گلبهار، که باشتراک متعلمین لیسه میر مسجدی وښوونځی متوسطهٔ دهبا لی و گروه انبوهی از دهقانان و پیشه وران ، بتاریخ ۱۶ جوزا درباغ عمومی گلبهار تشکیل شده بود، تقدیم کردیم واطلاع دادیم که تظاهر کنندگان درپایان تظاهرات آنروز باین فیصله رسیدندکه بغرض ادامهٔ مبارزهٔ قانونی خو یش برای تأمین خواستهای معقول خود، بروز یکشنبه ۱۹ جوزا دوباره اجتماع نمایند .

طبق اطلاعات تازه بروز مذکور، بنابرتوطئه مقامات مسؤول فابریکه، وسایل حمل ونقل کارگران بمنظور دور نگهداشتن آنان از محل اجتماع متوقف ساخته شده بود ، معهذا کار گران مبارز و مصمم فابریکه از فاصله های ۱۰ – ۲۰ کیلو متری خودرا بمحل موعود رسانیدند. درین روز علی‌رغم تلاشهای مذبوحانهٔ مقامات اخلال گر، درحدود هشت هزار نفر درمیتینگهایی که درباغ عمومی گلبهار باشور وهیجان قابل وصفی تشکیل شد بشمول کارگران، شاگردان لیسه های میرمسجدی ونعمان، ښوونځیهای متوسطهٔ دهبالی، گلبهار، جبل السراج ودهقانان نواهی دور ونزدیک اشتراک ورزیدند .

این میتینگ باایرادمضامین واشعار پرحرارت، شور انگیز والها مبخش اشتراک کنندگان تاساعت دوبعدازظهر ادامه داشت. آنگاه کار گران اطلاع حاصل کردندکه توطئه‌ئی درکاراست تا باایجاد تفرقه بین ایشان آنانرا مجبور به تسلیم وبازگشت بفابریکه نمایند. بدین معنی که والی پروان با تنی چند از کار گران بغرض برآورده شدن این‌منظور، داخل تماس گردید ، ولی کار گران و شاگردان آگاه وبیدار، باوقوف باین دسیسهٔ تخریب آمیز، رفقای خودراهوشیار – باش دادند و درنتیجه والی پروان مجبورشدبه مطالبات قانونی کارگران تسلیم شود. او یادداشت کارگران‌را باخود گرفت ووعده‌دادکه فردا بجواب قناعت بخشی در برابر آن خواهد پرداخت .

فردای آنروز (دوشنبه ۲۰ جوزا) دوباره کار گران شجاع نساجی بهمراهی دانش آموزان آگاه، دهاقین ستمدیده واهالی منطقه بمحل اجتماع حاضر شدند. این بار غریو دلیرانه تظاهر کنندگان که تعداد آنان متجاوز از ۱۲ هزار نفر بود، غرش پرتوان ویک نواخت دریای خروشان گلبهار را درخود محو میکرد .

والی پروان دوباره دراجتماع ظاهر گردید، ولی نه تنها جواب مثبتی بخواستهای کارگران نداشت، بلکه به ارائه دلیل معقولی هم‌که بتواند از شدت احساسات تظاهر کنندگان بکاهد، مؤفق نشد .

درین هنگام ۷نفر ازوکلای نواحی مربوط درولسی‌جرگه، درمحل اجتماع حا ضر شد . آنها کو شید ند بهر نحوی که ممکن شود به قناعت کارگران بپردازند، اما مؤثر نیفتاد ومیسر نشد. یکتن از وکلا تقاضا کرد تاکارگران یاد داشت خودرا به وی تسلیم دهند وبروزپنجشنبه ۲۳جوزا جواب بگیرند. کارگران که همیشه برای مذاکره ومفاهمه قانونی حاضرند این بار نیز یاد داشت خودرا به وکیل موصوف تقدیم کردند واما همچنان برتصمیم خودبه ادامهٔ اعتصاب استوار ماندند واعلان کردندکه تاخواستهای شان برآورده نشودهرگزبه بازگشت به فابریکه تن درندهند .

ساعت ۷روزپنجشنبه باز کارگران مبارز و پیگیر فابریکه با شتراک دهقانان و متعلمان رزمنده وحتی شاگردان خورد سال مکاتب دهاتی نواحی دورونزدیک واهالی آنجا درمحل مذکور اجتماع کردند. اکنون تعداد اشتراک کنندگان درحدود ۱۵ الی ۲۰ هزارنفر تخمین می‌شد. ساعت ۱۱قبل از ظهر در حالیکه فریاد لرزانندهٔ شعار های تظاهر کنندگان برفضای گلبهار طنین می‌افگند، والی‌های پروان وکاپیسا بهمراهی ۱۱ تن ازوکلای ولسی جرگه بحضور کار گران حاضر شدند وبلا فاصله به ابلاغ جواب بخواستها ی کار گران پرداختند .

درآغاز این جواب یکی از مطالبات عمدهٔ کارگران که عبارت از برکناری چهار تن از مامورین استفاده جو وستمگر ادارهٔ استثمار گر فابریکه بود، رد گردید. بنابران کار گران به عواقب وخیم این امر و آیندهٔ غیر مصوون خویش درفابریکه ملتفت شده فریاد کشیدند : «این فیصله به نفع ما صورت نگرفته ، مابااین جواب قنا عت نداریم و دلیرانه بمبارزات خود ادامه میدهیم.»

بالاخره درآخرین تماس نمایندگان کارگران با والیان ووکلا یاد داشتی تنظیم شد که در آ ن به قانونی بودن تظاهرات واینکه کار گران در مطالبات خو یش حق بجانب می‌باشند ، اعتراف گردیده است . وهمچنان وعده داده شده‌که یادداشت کارگران بمقامات مسؤول مرکز تقدیم می‌شود.

معهذا والیها و وکلای مذکور کوشیدند تا کارگران را باین قناعت برسانندکه دوباره بفابریکه بازگشته، به اعتصاب خود خاتمه دهند. ولی کارگران مصمم ومبارز هرگز باین‌امر تن در ندادند و اظهار داشتند : ماتابرآورده شدن خواستهای خویش که مهمترین آن هما نا بر کناری چهار تن از مامورین ستمگر فابریکه می‌باشد وبه اعتراف شماهمه آن قانونی وخواستنی است، ازاعتصاب خویش دست نخواهیم برداشت واما اگر مقامات مربوط خواستهای ما را برآورده سازند، ما حاضریم خسارهٔ فابریکه‌را ازناحیهٔ توقف کاردرجریان اعتصاب، بدون مزد جبیره نمائیم.

درجریان این روز کار گران معیوب و قربانیان استثمار ظالمانهٔ نساجی که درجریان کار سوخته ویا عضوی از اعضای بدن خودرا ازدست داده‌اند وبغرض اظهاردردهای خویش ومظالمی که در دوران کار در فابریکه از طرف کار فرمایان برایشان رفته است، درین مظاهره

(ص ۲)

دربارهٔ انحراف راست وچپ

انحراف وتجدید نظر طلبی(رویز یونیزم) در احکام اصول جهانبینی علمی هم از چپ وهم از راست صورت میگیرد . تاریخ بیش از یکقرن ، بروز این‌دو نوع بدعتگری‌را از چپ وراست نشان میدهد . لذا باید برای منزه و پاک نگهداشتن روش خود وواضح ساختن محتوی دونوع انحراف راست وچپ گام مقدماتی برداشته شود، زیرا باید روشن گردد که ما بر مبنای اصول جهانبینی علمی با چه چیز توافق داریم وباچه چیز توافق نداریم . باید خطفاصل مشخص بین اصو لیت ودو انحراف چپ وراست کشیده شود تامبارزان صدیق ترقیخواه وطنپرست کشور ما بدرستی درک کنند که چه چیزرا باید قبول و چه چیز را باید رد نمایند .

جریان انحرافی راست :

بصورت فورمو ل بندی شد ه انحراف راست عبارت است از : رفتن و لغزیدن در جهت منافع طبقه حاکمه ستمگر واستثمار گر بورژوازی و ملاکی یعنی در جهت تحکیم راه سر مایه داری ،در جهت صرف نظر کردن ا ز تغییرات کیفی در جهت کرنش وتسلیم در برابر سیر خود بخودی و ترس از ایفای امر تحول بنیادی، درسمت ابن الوقتی وسازشکاری با ار تجاع .

انحراف راست که انعکاس نفو ذ افکار بورژوائی د ر جنبش مترقی است عمو ما بشکل سو سیا ل– ر فو ر میسم و . . . . ظا هر میگردد. منحرفین راست بطور عموم احکام جهانبینی علمی را در لفظ می پذیرند ، ولی‌در مهمترین وحیاتی ترین احکام آن طبق‌منافع نیروهای ارتجاعی و طبقه حاکمه تجدید نظر مینمایند .

مثلا منحر فین راست برای تحول اجتماعی و رفتن بسوی‌سوسیالیسم ا صل ر فو ر میسم ر ا اساس نظر و عمل خود قرار میدهند وآنرا کا ملا مطلق میسازند و چنین ادعا میکنند که بدو ن تغییرات سریع بنیادی وکیفی اجتما عی ، بدون انتقال قدرت حا کمهٔ سیاسی بدست ز حمتکشا ن و تو د ه ها ی مردم میتو ا ن ا ز طر یق طبقه حاکمه ستمگر واستثمار گر به‌اجرای یک سلسله اقدا مات اصلاح طلبی محض در چهار چوب نظام فر تو ت اجتماعی ، بصورت‌دستو ری‌ازطریق آشتی طبقاتی ،حسب دلخواه محا فل حاکمه ارتجاعی، درروی‌صحنه‌باز ودر چو کا ت مقر ر ا ت و قــوانین «ضد دموکراتیک»، وتنها از طریق تحو لا ت صر فا پا ر لما نی و شرکت در حکو متها باید به‌نتیجه و هدف مطلوب رسید . برین‌اساس، منحرفین را ست ومدافعین نظا م سر مایه داری بصورت عیان‌وآشکار از سو سیا لیزم ارتداد میجو یند و برای اینکه توده های مردم را در اسا رت معنو ی نگهدا ر ند ... «تیو ریها ی »بدعت آمیزی‌را اختراع میکنند که هد ف عمد هٔ آنها مخفی کردن ما هیت استثمار گر نظا م بورژوایی و آرایش چهرهٔ ز شت سر مایه داری است . آنها مد عی استند که گویا در شرایط معا صر ما هیت سر مایه داری کلا سیک بیرحم تغییر کرده و به‌سرمایه داری جدید و به « سرمایه داری خلقی » به یک « جا معهٔ رفاه عمومی» به یک جامعهٔ «صنعتی» وبه «دولت بهروزی همگان» تبدیل‌گردیده‌است‌واستثمار ومبارزه طبقاتی رو بزوال ونابود شدن است . همچنین « تئوریسین های »ضد نیرو های تر قیخواه واز آنجمله منحرفین راست، کشور های امپریا لیستی را «جـهان آزاد (!)» مینامند . ولی حقایق زنده وتجربه‌گی

(ص ۲)

راه پیمایی کارگران راه‌ساز و کوهکن پروژهٔ پلخمری - شبرغان

ساعت شش صبح روز ۱۹ جوزا آنگاه که آ فتاب وادی سمنگان را از نور خود لبریز کرده بود، کار گران راه سازی از «حضرت سلطان» تحت این‌شعارها، راه پیمائی خود را آغاز کردند: «ماگرسنه‌ایم. نان‌میخواهیم. دوا میخواهیم. دستمزد عادلانه میخواهیم. ما از ظلم واستبداد بجان آمده ایم.»

کار گران‌راه‌سازی چند ین کیلومتر راه‌راطی کردند ودر طول راه تمام گروههای پرا گندهٔ راه سا زان، بایشان پیو ستند و بقصد کابل تا فاصله ۳۷ کیلو متری شهرصنعتی پلخمری به پیشروی خود ادامه‌دادند. اینها همان کار گرانی استند که درسرطان ۱۳۳۷ برای نخستین بار باماشین های غول پیکر از مد خل دره‌خنجان برقلب هندو کش حمله بر د ند و طبیعت را به نفع انسان همو طن لگام زدند. ایشا ن درس نبرد خستگی نا پذیر علیه نیرو های خشن طبیعت را فراگرفته ودر مجموع خود سا زند گان یک‌بخش مهم تاریخ معاصر کشورند. راه‌سازان وقتا فوقتا درراه ساختمان کشور تلفات داده‌اند وباوجود هرنوع قربانی، باصبر و حوصلهٔ وطنپرستانه بلاانحراف در کار سا ختمان به پیش رفته اند.

هنوز ذرات خاک و طن از ماشینها وانفجار داینمنت ها در خم وپیچ دره‌هاوو بهنای دشتهای کشور، ترانهٔ عظمت‌این‌راه سازان را درخود حفظ کرده است. آنا نیکه در سایه‌ها نشستند، بر مو تر ها سوار شدند واز نتائج خستگی ها، گر سنگی ها ومحرومیت های قهر مانان راه ساز بمدالها، رتبه ها وثروت هارسیدند، نباید بخود اجازه دهند که حقوق قانونی وحیات این زحمتکشان را بیشتر ازبیش قر بانی امیال غیر– قانونی و غیر انسانی خود سا زند. ازلقمه ایشان بکاهند و بر تجمل خود بیفز ا یند.

خبریال پرچم اطلاع میدهد که آمرین و کار فرما یان پروژه، آنطرف کوتل رباطک باکار گران روبروشدند نخست باتهد ید و بعداً با عذرخواهی وانواع حیل خوا ستند کار گران را از راه پیمائی شان منصرف سا زند، ولی کار گران نظر بتجاربیکه درمورد این آمرین داشتند، بوعده های‌ایشان اعتماد نکردند وهمچنان به راه‌پیمائی خودادامه دادند.

گفته میشود که بعد ا وزیر فوایدعامه، قوماندان عمومی‌قوایکار ورئیس میخانیکی وزارت فوا یدعامه، در فاصله ۳۷ کیلو متری پلخمر ی با آنان د ا خل مذ ا کر ه شده واز ایشان تقا ضا کردند که مطالبات خود را تحر یری به آنها بسپارند.. هیأت این مطا لبات کار گران را قا نو نی پندا شته و برای حل و فصل مطا لبات راه‌سازان یکماه مهلت گر فتند.

خبریال پر چم می افزاید که مطالبات کارگران راه پیما مر بو ط بخواست تمام کار گران پر و ژ ه پلخمری، شبر غان بوده ومواد عمدهٔ آن قرار آتی است:

۱– عدهٔ زیاد کار گران ما از آغاز پروژه تا کنون‌درجه نگرفته وازمعاش بسیار ناچیز ما علاوه برینکه پنجصد افغانی بصورت‌غیرقانونی بنام‌تضمین وضع میکنند، یک مبلغ دیگر را بنام تقاعد، سکوک و غیره میگیرند که درحقیقت بما چیزی باقی نیماند، باید معاش ما مطابق نیاز مندیهای ما تغییر کند ودر اخیر هر ماه ما نند سایر دوایر اجراشود.

۲– پولیکه بنام بیمهٔ صحی از ما میگیرند، هیچگو نه خد مات مؤ ثر صحی در برابر آن بما انجام نمیدهند، بلکه بعضاً مجبور می شویم بر ا ی تداوی‌خود لوازم ضروری زندگی خودرا بفروشیم، ما شرایط مناسب صحی ومعالجه میخواهیم.

۳– غذای ما بسیار ناچیز و غیر صحی است (نان خشک که‌بما میدهند مناصفهٔ آن ریگ و مواد دیگر است)

(ص۳)

-۳- دپښتونستان دملی آزادی نهضت دځوان مشروینا

دخان عبدالولی خان دهغی شفاهی وینا متن چه دآزادی اوخپلواکی د شهیدانو د ورځی په مناسبت یی دثورپه ۳دپښتونستان دولس دلوی یی‌مظاهری په وخت کښی کړی وه

زه یوه قصه درته کوم: یوه سړی سره یولټ خر و، هغه نړی ډیرتنګ راغی، ویل یی خم داخر بیا هم او په میله کی یی په جا خر خوم، زموږ ددی حکومت دملګرو غونډ ی یو هوښیار سړی بری پیښن شو ، هغه ورته وویل چه بهایی(وروره) ولی‌دا خر خرخوی؟ هغه وی‌لټ دی‌صاحبه، ماله ټک کار نه کوی، هغه ورته وی هلکه دا لټیان زه روانوم، هغه وی زه یری ډیر تنګ یم. زما د کاونډی دګازرو پټی له ځی او ګازری یی خوری اودهغه سړی‌جنګ ماله راوړی هغه ورته وی بنه ګازری بی خوښی دی؟ وی هو! وی نوبیاخوکه خیروی روان به شی. هغه دنر بچی یوه غته ګازره وکتله او دلرګی بو ری یی خوړنده کړی او لر ګی یی دخره په څټ‌پوری وتاړه، هغه‌ګازره لاړه‌دخره دور بوزنه بنخه شیر ګوتی مخکی خوړند شوه. خره چه ګازری نه‌وکتل په طبیعت کی شو. شونډی‌یی وز اوږدی کړی خو ګازرته‌کله وررسیدی هغه ګازره، مخکی خر ور پیسی. هغی ګازری لټ خر روا ن که. زموږ ممبرانو ته یی هم دغسی مخکی‌پرمخ (جواز نا مه) خوړند کړیدی. لا دکار خانی بر مخ(. . .) شل قسمه بر متونه دی. خودهر چایه مخکی ګازره خوړنده ده، هغه غریب نه آخوا ګوری، نه داخواګوری او د ګازری پسی روان دی نو د هغوی نه به تاسو څه ګیله وکړئ. یوازی د هغوی نه ګیله نه شته، په هغوتیرو ورځو کی زموږ په‌چار صده کی‌جلسه وه، نو هغو ملګر و مورته وویل چه مورته اوږه نه ملا ویږی اوزموږ ګنی او نمباګو خوک نه‌اخلی. ما ورته ووی چه ورور! خدایی خدمتګارو د پاچا خان په‌ملګر تیاکی تاسوته‌یوحق ګټلی و. دووټ حق، چه په هغه تاسو پدی‌ملک حکومت کاوه او هغه ووټ پرون‌تاسو د ممبرانو په حیثیت باندی لکه‌څنګه چه تاسو خیال کوی تا سو خرڅ کړ. نوچه ووټ مو خرڅ کړ ملک مو خرڅ کړ نو داحق سباله نلری چه څه ووایی. لکه سړی‌چه کوټه خرڅه کړی او وایی‌چه بهایی داکو ټه ستا او دا اتاق یکی زما، هن چه ملک دی خرڅ کړه ، خاوره د ی خر څه کړه ګنی د ی ورسره خرڅ کړ غنم دی ورسره کړیدی، نو پرون‌چه‌تاسو داووټ خرڅ کړیدی او هغه چاچه تاسوورله ووټ ورکړی دی. هغوی ووټ خرڅ کړیدی . نو هغوی داملک او قام هرڅه خرڅ کړیدی. نوممبران هم داسی وایی چه هغوی‌داملک‌په بیه اخیستی و، هغوی اوس خپل کور پوره کوی او سباله بی بیا ورته‌نیت دی، نو ددی وجهی نه تاسو پولو له اوس دی خبری له فکر په کار دی. چه په داسی حالاتو کښی وزیران‌چه ماتاسو ته وویل ممبرانو ته یی ګازری خوړندی کړی او دوی خپل غرض اخیستی دی .

تاسو خپل حق څنګه ګټی؟ صرف دادسوچ خبره ده او هغه داسی ده‌چه قام بیا دغه شان یوځای شی، راپاڅیږی او متحد شی لکه څنګه‌چه په کال ۱۹۳۰کی دپرنګی پسی راپاڅیدلی وو او لکه څنګه چه دد ی خپل غرض او مقصد دپاره تاسوبه هغه وخت کی قر بانی ورکړی وی، دغه شان سباله بیا تا سو منظم او مستحکم و دریږی او داسی وو هغه خلک چه تاسو له یی له پرنګی نه حق اخیستی و نوبل لاخوک‌دی چه هغه ستاسوحق‌وخوری خو صرف فرق دادی په کی چه که تاسو راپاڅیدیء او هغه‌زوږولیونتوب موږ خان راوستیده، نوزه وایمه چه هغه وخت بی ډیر زور غوښتنه اوس ډیر زورنه غواړی، اوس خبره ډیره ګرانه نده، دپلار نیکه پټی کټل‌ګران و. هغه قبضه موږ دپرنګی نه‌اخیستی ده، اوس خو صرف دپټی په حاصل اوآمدن جګړه ده. نودومره می‌ستاسو په حضور کی عرض دی ، ګرمی ده او تاسو پول دلری لری ځایونونه راغلی یی خو ماستاسو په خدمت کی صرف داعرض کاوه چه پدی پولو خبرو تاسوته په‌کار دی‌چه غوراوفکر وکړئ او خپله ورور ولی را ټینګه کړی ، خپل یوسیاسی تنظیم کښی بیا راغونډه شیء اوبه شریکه پاڅیږی اودوی ته داونبایی چه دپښتون‌حق نه چاخوړلی دی اونه یی خوک‌خوړلی شی، اولکه چه موږ دشهیدانو ددغی ورځی لپاره راغلی یو ، تاسو پدی ملک کی وکتل چه هغوی دکوم غرض دپاره قربانی ورکړی وی، هغه‌غرض ترسره نشو، اوس موږ له په کاردی چه دهغوی دغرض اومقصد دکامیابی دپاره موږ پول په شریکه ملاوتړو. موږ حکومت ته داخبره کوو دیونټ متعلق خبره بالکل واضح ده. موږ پدی‌کی دوهمه خبره نه منو. لکه څنګه چه تاسوته اجمل صاحب وویل چه کله دیونټ دوه‌کاله وشو نودهغه نه پس‌دیونټ په‌حلقه دمغربی پاکستان‌په اسمبلی کی یو تجویز پاس شویدی، چه هغی‌نه په‌هغه‌وخت‌کی‌دوسیاسی جماعتونو چه یوته یی مسلم لیګ اوبل ته یی ریپبلکن پارټی وی، دهغوی دواړو مشترکه پالیسی داوه چه یونټ دی مات‌شی. ماسره‌دهغوی دلاس لیکلی دستختونه پرانه دی که خوک غواړی زه به یی ورته وښایم. دریپبلکن پارټی‌نه سر فیروزخان‌نون

(په دوهم مخ)

برخورد ضدقانونی پولیس باکارگران جنگلک

اعتصاب کار گران دلیر فابریکه جنگلک که در شماره ها ی گذشته جریده پرچم مطالبی دربارهٔ آن نشر کردیم، درهفته گذشته همچنان ادامه داشت .

روز چهارشنبه ۲۲ جوزا چون کارگران از مذاکرات خود با مقامات مربوط فابریکه به نتیجه‌یی نرسیدند تصمیم گرفتند تا بمقامات بالاتر مراجعه نمایند. پولیس وژاندارم که اطراف فابریکه را احاطه نموده‌بودند مانع خروج کار گران از فابریکه گردیده، آنها را محاصره نمودند. درنتیجه این عمل زدوخورد شدیدی بین کارگران وپولیس ... کار گران سعی نمودند تا ازراه چهل ستون خودرا به شهر رسانیده وخواست های خودرابامقامات‌مسؤول درمیان گذارند، اما پولیس آنهارا وادار به داخل شدن به فابریکه نمود وبعداً ازروی لست سیاهی نام‌یکایک از کارگران‌را خوانده، یکعده‌ازآنهارا رهسپار زندان کردند .

پرچم: این عمل ضد قانون و ضد دموکراتیک مقامات مربوط را تعرض آشکار برابتدایی ترین آزادیهای مردم تلقی کرده، آنرا جداً محکوم‌می‌نماید ودفاع از حقوق کارگران را وظیفه ورسالت تاریخی خود می‌داند .

پرچم

ا. عمر فیض – کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

دافغانستان دخلک دموکراتیکو افکارو خپرونکی

رویدادهای مهم سیاسی جهان

در هفته گذشته

درامریکا :

ترور رابرت کنیدی نامزد ریاست جمهوری امریکا باردیگر مردم‌جهان‌را متوجه نظام حاکم درکشوری ساخت‌که آدم کشی وجنایت درآن‌موثرترین حربه پیروزی بر مخالفین و رسیدن بـاهداف سیا سی گـردیده است. واقعه قتل را بر ت کنیدی و دیـگرحوادث درامریکادیپلومات های‌خارجی مقیم امریکا را شدیداً نگران ساخته‌است.جنانکه نماینده تانزانیاویکعدهٔ دیگر ازنمایندگان‌خارجی‌به‌خبرگزاری‌تاس گفته‌اندکه‌آنچه درامریکامیگذرد انعکاسی از سیا ست خارجی ایـن‌کشور است. امریکا در تمام جهان سیاست تـرور، زور وآدم کشی رااساس سیاست خود قرار داده است وهر صدای ضد سیا ست خـودرا باگلوله جواب میدهد .

امپریالیستان عـادت کرده اند که‌هرمسأله را باید حتماً بازور وفشار حل کنند ، ترور اشخاص بزرگ‌وسیله ایست برای حفظ هژ مونی انحصارات امپریالستی .

«حاکمیت محافل وابسته بصنائع نظامی منجر به تسلط رژیم فاشیستی ترور ورواج جنایت میگردد – وقتی دولت علی رغم مخالفت وسیع افکار مردم جهان بخون ریزی د ر ویتنام خاتمه نمیدهد، بمباران کشوریراکه هزاران کیلو متر از امریکا فاصله دارد قطع نمیکند ، نمیتواند روش دیگری را برای مبارزه بامخالفین‌خود درداخل کشور دربیش گیرد. تـرور وآدم کشی حاصل مستقیم سیاستی است که درامریکا تسلط دارد». باقتل را برت کنیدی د ستگاه تبلیغاتی امپر یالیزم امریکا سخت بگردش درآمده است و میکوشد توجه مردم امریکارا از علت اصلی ترور کنیدی بجهت دیگر سوق دهد . دستگاه تبلیغاتی امریکا سعی‌میکند نشاندهد که قاتل رابرت کنیدی مربوط‌بجامعهٔ بیمار امر یکا نبوده ، بلکه یک عرب فلسطینی است.اورابرت‌کنیدی را کشته است، چون رابرت کنیدی طرفدار اسرائیل بود ، اگـر چنین باشد پس چـرا نکسن ، را کـفلر، همفـر ی ، گـولد واتر که حامیان سرسخت اسرائیل میباشند، کشته نمیشوند. آیا آنها طرفدار عرب‌اند؟

جان. اف کنیدی را کی کشت؟ مارتین لوتر کینگ را کـی کشت ؟ جواب روشن است. این قاتلین یکی هم عـرب نبود ، همه امر یکایی و مربوط بجامعهٔ باصطلاح «آزاد» «جامعهٔ رفاه عمومی» و«جامعهٔ‌بزرگ» امریکا میباشند . آنها ازیـن سبب قاتل رابرت کنیدی را عرب اعـلان مینمایند ، تا ازیکسو بر اسرائیل منت گذارده باشند واز طرف دیگر از قتل رابرت کنیدی غرض تخویف وتهدید اعراب‌استفاده کنندوازجانبی هم بـر و ی علت ا صلی تـرور رابرت کنیدی پرده کشیده باشند . مگر مردم امریکا بخوبی میدانند که گانگستریزم سیاسی محصول طبیعی تضاد های داخلی نظام سرمایه‌داری مسلط امریکا میباشد، چنانچه‌یک‌نفر دانشمند بـر جستهٔ امر یکا ضمن تبصره ئی اظهار داشت که قتـل رابرت‌کنیدی‌این واقعیت‌رایکبار دیگر تایید کرد که درامریکا گانگستریزم، تروریزم وارتجاع سیاه حاکم‌است .

محصلین پو هنتو نها ی نیویارک در اثنای تظاهرات خو یش بـروی لوحه هاییکه حمل میکردند نوشته بودند: «رابرت‌کنیدی قربانی‌سیاست جنایتکارانهٔ امریکا در ویتنام شد، آنها بیکه میخواهند جنگ ویتنام ادامه پیدا کند، کنیدی را کشتند».

دراروپا :

پاریس : اعتصاب ده ملیو نـی کارگران فرانسه با پیروزی پایان یافت. کـار گران اعلان کردند کـه بسیاری ا ز خواستهای شان مـورد قبول واقع شده‌است. اتحادیهٔ‌عمومی کار فرانسه اعلان کردکه این‌موفقیت درده سال گذشته بیمانند است.مگر اعتصاب کارگران فابریکهٔ رینو ادامه دارد وکار گران برای آنها پول جمع آوری میکنند .

بن: ۶۰هزارمحصل درالمان‌فدرالی دست بـاعتصاب زدند ، محصلین خواهان اصلا حات در امور تعلیمی میبا شند که به اثر آن بین پولیس و محصلین چندین بر خورد صورت گرفته است .

درآسیا :

هانوی: درهفتهٔ گذشته ۱۱ طیارهٔ امریکایی تو سط آتش تو پخانهٔ ضد هوایی و یتنام شمالی سقوط داده شد وبا ینصورت تعداد طیارات سقوط داده شدهٔ امریکایی در فضای ویتنام شمالی به ۲۹۶۸ بالغ گردیده است .

وینتیان : د سته های ملی لاوس ۲ طیارهٔ امریکایی را سقوط دادند وباینصورت تعداد طیاراتی که بالای مناطق تحت تصرف پتتلاوها سقوط داده شده، به ۸۰۲ طیاره وهلکوپتر بالغ میگردد .

سیگون: در ماه می ۷۲ هزار نفر عسکر دشمن واز جمله ۳۱ هـزار عسکر امریکایی بقتل رسیده انـد . همین‌خبر میرساندکه بشمول‌طیارات جنگی ۳۱۰۰ وسیلهٔ بزرگ جنگی امریکایی ها و متحدین جنگی آن درویتنام جنوبی از بین رفته است .

انقره : سراسر ترکیه را مـوج اعتصابات وتظاهرات‌فرا گرفته‌است. ۲۰ هزار محصل در یـن اعتصابات اشتراک دارند. اعتصاب کنند گـان بروی لوایح شعار های «اصلاح‌وضع درسی، دادن بورسها به مستحقین، تقلیل قیم واخراج استادان مرتجع از پـوهنتونها » نوشته بـودند . درائر این تظاهرات امتحانهای‌سالانه معطل گردید .

دکندهار دمیوی فابریکه وتړل شوه

او (۳۵) تنه‌کارګران‌ئی بی کاره‌شول

دپرچم خبریال دکندهار نه خبر راکوی چه په کندهار کی د میوی فابریکه (شرکت میوه) د نوموړی‌شرکت دمدیره هیأت دتصمیم‌په اثر پر مخ تـړل شوی او (۳۵) تنو کارګروته بی ځواب ور کـړی دی. دفابریکی خاوندانو په خپله وعده‌هم‌وفانده کړی اودقرار داد سره سم دوی میاشتی دمخه بی کارګرانو ته‌دخپل دغه تصمیم څخه اطلاع نـده ورکړی اوهم‌یی دیوی میاشتی‌برمددمعاش چه دکار ګرو حق دی اویه قرار دادکی یی پیش بینی شویده‌خوله پټه کړیده .

خبریال وایی چه دغه کار ګران‌په ډیر تشویش دځان او اولاددآینده په فکرکی دی چه څه وکړی اوچیری لاړشی څکه چه په بل ځای کی هم ددوی دپاره دکار پیش بینی نه ده‌شوی اونه اصلا کار شته .

پرچم : پداسی حال کی چه‌دحکومتونو دغلط سیاست‌په اثرددغی ستری تولیدی موسسی په تړل‌کیدواودهغی دکار ګرو په بی‌کاره کیدو خپله خواشینی څرګندوی او خپله‌وظیفه ګنی چه دهغو آواز او شکایت دخلکو غوږونو ته ورسوی اودمربوطو مقاماتو دغه غیر قانونی عمل رسوا کړی .

اعتراض کار گران یونت قیریزی

پروژه پلخمری – شبرغان بر رفتار سوء آمران پـروژه

درشمارهٔ گذشتهٔ جریدهٔ پر چم وعده داده شده بودکه خبر اعتصاب کارگران زحمتکش پروژهٔ پلخمری – شبرغان رادرین شماره نشرمیکنیم.

خبریال پرچم از پلخمری اطلاع مید هدکه کار گران یونت قیرریزی پروژه سرکسازی پلخمری– شبرغان برای نخستین بار بتاریخ ۱۰ جوزا از ساعت۶ تا۱۰قبل ازظهر بصورت یک عکس العمل در برابر استبداد وتحکم‌آمران پروژه دست باعتصاب زدند . علت اساسی این اعتصا ب اجراآت بی‌بند وبار ومستبد انهٔ کار فرمایان پروژه است که رویهم تراکم نموده ودرین اواخر بخاطریک اقدام غیرقانونی آمران پروژه تحقق پذیرفته است .

درین اواخر آمران پروژه تصمیم گرفتند ، علاوه برگرفتن ضما نتها وتذکره های کار گران ، یکما هه معاش ایشانرا نیز طور تضمین‌نقدی وضع نمایند .

چون شرط اخیر الـذکر برای کارگران پروژه کـه هیچ مـد رک دیگری جز معاش‌برای زندگی‌ندارند، قابل تحمل نبود ، دست باعتصاب زدند . یک خبر دیگر میر سا ند هنگا میکه کار گران ازتضمین نقدی معذرت خـواستند ، معاون اداری پروژه اخطار دادکه هر شخصی‌باین شرط موافقه نکند ، از پروژه اخراج خوا هد شد . کار گران زحمتکش وقتی دیدند که عده ئی از برا دران کارگر شان مورد تـوهین، فـشار وتعجیز قرار گرفته اند ، بعنوا ن دفاع ازحقوق قانونی ،کرامت وکار سرکسازان دست باعتصاب زدند . قرار معلوم این اعتصاب در اثروعدهٔ آمرین پروژه که بر تصمیم خو د تجدید نظر خواهند کرد ، ساعت (۱۰) قبل از ظهر همانروز خا تمه یافت . ولی بعداً بتاریخ ۱۴ جوزا کار گران جداً تقاضا کردندتاوعد ه های داده شده ایفا شو د و علاوتاً بمنظور رفت وآمد کارگران متا هل وسایل حمل ونقل از خانه تا محل کار واز محل کار تا خانه تعیین گردد. کار گران بصورت اعترا ض گفتند : تعجب میکنیم که چرا در مورد حمل ونقل کارگران تا مناز ل شان که مصارف بسیار جزئی را ایجاب میکند ، مقاومت میکنید ولی بر عکس در مورد موتر دوانی ها ی آمرین ، در مورد اختلاس تا نکهای بستهٔ پـترو ل ، در مورد فرو ش سیخهای کول پروژه واقسام سو ء استفاده ها‌که بضرر وحتی بقیمت تبا هی اقتصاد کشور تمام میشود، هیچ اما نتداری ، تقوی و صرفه جویی وجود ندارد . کار گران جدا تذکر دادند که باید حقوق ایشا ن اعاده شود واز دستبرد در دارا یی عامه خود داری بعمل آید . مطالبات کارگران یونت قیرریزی بعداً در مجموع مطالبات تمام کار گران پروژهٔ پلخمری – شبرغان که بحیث یک رهپیمائی خبر آنرا درصفحهٔ اول همین شماره نشر کرده ایم، تبارز کرده است .

تظاهرات شاگردان معارف، کارگران، دهقانان

واهالی ولسوالی حضرت‌امام در ولایت کندز

بتاریخ ۱۶ جوزا شاگردان‌ښوونځی متو سطهٔ ولسوالی حضرت امام بغرض تامین یک سلسله مطا لبات قانونی خو یش ، دست به تظاهرات خیابانی زدند. شعار های گرم این تظاهرات که از طرف انبو هی ازکار گران، دهقانان ، پیشه وران واهالی استقبال و همراهی گردید، عبارت بود از :

– زنده باد جنبش‌های آزادیبخش ملی، پیروز باد نیروهای دموکراتیک وپرچمداران راه آزادی ، زنده باد طبقهٔ جوان کارگر، جاوید باد اتحاد کارگـران ، دهقانان ، پیشه وران وروشنفکران مترقی کشور، زنده باد نمایندگان واقعی خلق ومرده باد استبداد ، استعمار ، فیودا لیزم وامپریالیزم .

تظاهرات علی رغم مقاومت‌دستگاه اداری آنجا ومسدود شدن دروازه‌آهنین فابریکه بروی کار گران مبارز و ستمدیده ، بغرض جلو گیری از اشتراک آنان د ر ین مبارزهٔ مسالمت آمیز و قانونی، با اشتراک عده ئی از کارگران باشعور و شجاع بندر قزل قلعه تاپایان روز با شور وحرارت بی‌سابقه وایراد بیانیه های پرجوشی طی چندین میتینگ خیابانی ادامه داشت. بالاخره متصدی معارف آنجا مجبور گردید دربرابر تظاهر کنندگان حا ضر شده ، مطالبات تحریری شانرا تسلیم شود وکتبا تعهد نمود که یاد داشت تظا هر کنندگان را بمقام مسؤول‌تسلیم‌دهد و بزودی ممکنه جواب آنرا ارائه نماید .

مطالبات عمدهٔ تظاهر کنندگان که تسلیم نماینده معارف گردیده عبارت است از :

–تعمیر عمارت ښوونځی‌که مصرف ساختمانی آن سه سال قبل ازطبقات محروم، مخصوصاً دهقانان تهیدست جمع آوری شده،ولی تاکنون‌ازعمارت ښوونځی اثری دیده نمیشود .

– ارتقاء ښوونځی‌متوسطه به لیسه که از ۳۱ سال باینطرف برای نفوس بیش از پنجاه هـزار نفر ، بحال متوسطه مانده و فرزندان مستعداین منطقه از تحصیلات عالی و مسلکی محروم مانده اند .

– عمارت شفاخانه بقیمت خون طبقات محروم این منطقه آباد شده، لیک برای بیش از پنجاه هزار نفر، از پرسونل فنی فقط یک داکتر ویک جراح ویک پرستار دارد، باید جدا باین امر توجه شود .

– بندشیروان‌که بمبلغ بیست‌ویک ملیون افغانی بکمک زارعین بیچاره آباد گردیده، اکنون سوم حصهٔ آب سابقه را بمردم نمیدهد و دو سال است کشتهای اکثر مردم این گوشهٔ وطن به قطعات بی حا صلی تبدیل شده است؟ چرا مقامات مسؤول‌درین زمینه تاکنون کاری از پیش نبرده اند ؟

– این وضع برای دهقانان قطعاً قابل تحمل نیست که مجبور باشند حتما بعوض شالی ، صرف بغرض تامین سود فابریکه داران حریص، پخته بکارند و ازهر جریب بمقدار ۴۵ سیر پخته به شر کت تحویل بدهند واگر باین امر مؤفق نشوند، باید فـی سیر سه افغانـی جر یمه بپردازند .

– مزد کارگران سپین زر شرکت وشیر خان بندر قطعا بادرجهٔ لیاقت و سابقهٔ کار آنان متناسب نیست وهمچنان مزد اضافه‌کاری شان‌توسط مامورین حیف ومیل می‌شود ، باید درین‌زمینه جداً توجه‌گردد وهمچنان از اخراج غیر قانونی کارگران آگاه جلوگیری به عمل آید .

تظاهر کنندگان درجریان مظاهره وهمچنان درپایان یاد داشت خویش از ظلـم و ستمگری ، خـودسریها و ا ینکه حقو ق مر د م همیشه از طر ف مقامات حکومتی پامال میگردد، انتقاد نموده و تعهد کردند که اگر به اشتراک کنند گـان درمظاهره، مخصوصاً متعلمین مـورد تهدید قرار گیرند، جداً از ایشان پشتیبانی خواهندنمود. مظاهره‌چیان که از پشتیبانی جدی مردم این‌ناحیه برخور دار بودند، تعهد نمودند که به مبارزات دلیرانه خودبرای برآورده شدن این خواستها و احیـای حقوق خلق محروم خویش‌ادامه خواهندداد.

مطالبات قانونی کار گـران فدا کار

فابریکه سمنت غوری

بروز ۱۴جوزا اداره فابریکه‌سمنت غوری ،بمنا سبت آغازمجدد کار فابریکه که‌بعداز یک‌دوره توقف جهت ترمیمات لازم صورت میگرفت، درداخل فابریکه مراسمی تشکیل داده واز کارگران‌فابریکه سمنت‌جهت اشتراک در آن دعوت کر دند. اما کارگران شجاع و باهوش فا بر یکه که آغاز دو بارهٔ کار را شروع مجدد استثمار ظالمانه و بهره کشی ا ز نیر و ی دست و دماغ خو یش میدانستند، برای جلو گیری ا ز ستمگر یها ئی که در گذشته‌نیز برایشان تحمیل می‌شد، از اشتراک درین مراسم اجتناب ور زیده وضمن متینگ‌باحرارتی شیوه‌های ظریفا نه وچاپلوسیهای محیلانهٔ کار فرمایان راکه همیشه در چنین مواقع بغرض تطمیع و تحمیق کار گران بکار برده می‌شود، افشا کردند.

درپایان متینگ واجتماع کارگران، رئیس فابریکه حاضر شد تایادداشت تحریری آنا نرا تسلیم شود وبایشان وعده دهد که هرچه زودترخواستهای ایشان‌رابه‌مقامات بالاترمطرح نمایدودر برآوردن آن از هیچگونه کمک‌مضایقه نکند.

کارگران بدون اشتراک درمراسم رسمی بکار آغاز کر دند و بروز ۱۷ جوزا در حالیکه عدهٔ زیادی ا ز کار گران حاضر بودند ، میتنگ (اجتماع) دیگری در با غ ذخیره پلخمری دایر و ضمن ایراد مطا لب جا ندا ری پیرا مون ستمها ئیکه برکار گران روا میدا رند و اشکال ظالمانهٔ استثمار کار فرمایان، بغرض تسهیل امر مبارزهٔ خو یش یک تن از کار گران آگاه و فدا کار رابعنوان نماینده خود تعیین نمودند تابامقامات مر بوط فا بریکه در تماس با شد، وضمنا فیصله‌کردند که‌اگر به‌نمایندهٔ ایشان ویایکی از رفقای هم صنف آنان کو چکترین تهدید و یا ضرری متو جه شود، متحدا نه در دفاع از اوشان به مبارزه بپردازند.

اینهم متن یادداشت و مطا لبات کارگران موصوف که عینا و بدو ن تصرف در ذیل این سطور بخد مت خوا نند گان عزیز پر چم تقد یم می شود:

«بمقام‌محترم ریاست موسسه سمنت غوری !

معرو ضهٔ خویش را ما کار گر ان زحمتکش و بیچارهٔ فا بریکه که دربدترین شرایط (۵۶–الی ۶۰ درجه سانتی گرید) کار میکنیم وسر ما یه ملی را باعرق ریزی و بیخوا بی های ممتد خویش بو جودآورده وتسهیلات تأمین زندگانی مرفهٔ همگان را فر اهم میسازیم، توقع میشود که مقا م محترم ریاست‌درحصهٔ حقوق‌ما‌کارگران که تاکنون تلف وبیر حمانه زیر پا گذاشته شده تو جه فرما یند.

–رخصتی روز پنجشنبه بعدازظهر، اگردوام کار ایجاب کند اجر ت دو چند پر داخته شود.

– تهیهٔ منزل‌رهایش‌برای کارگران ویاکرایهٔ آن.

– هفتاد روز رخصتی، ضروری و مریضی بامعاش.

– نان پخته در هر تایم کا ر یک وقت.

– قبول بیمهٔ صحی بشمول‌اعضای فامیل کار گران الی یافتن صحت.

– سرشته اساسی پو لهای ذخیرهٔ کار گران که بدو ران اند ا خته شود.

– کوپراتیف و فیصدی.

– پول بخششی که همه ساله برای کارگران که ازحاصل دسترنج شان به وجود می‌آید به خود شان تادیه شود .

–افزودی معاش با ندازهٔ لازم.

بماکار گران رنجد یده‌بذل تو جه نمائید، ما حصول مطا لبات فوق را که همه قانونی و قابل اجراء وحقوق حقهٔ ماست خوا هانیم تـا بتوا نیم بااستفاده از حقوق فـوق حد اقل زندگی خود راتأمین کنیم وازین‌مرگ تدریجی وزندگی طاقت فر سا رهائی یابیم .

موضوع بد ین وسیله معروض و اقدا مات مو سسه را درین مو رد انتظار میبریم .

(مهروامضاء کار گران)

پرچم: د ر حا لیکه مطا لبات قانونی کار گران فدا کار فا بر یکه سمنت غوری را جداً تائید میکند، معتقد است که شکمهای گر سنه، تن های‌برهنه، اطفال مریض‌وآوارگی این کار گران شریف را با بر گزاری مراسم و بر نا مه‌های تشر یفا تی نمیتوان چاره کرد، باید کاری کرد که این نیرو های باارزش بشری در کشور ما بیهوده ضایع نگردد .

اعتصاب محصلان شعبهٔ اداری پوهنځی

تعلیم وتربیه

اعتصاب محصلا ن شعبهٔ اداری تعلیم وتربیه که از ۹ جوزا شروع شده بود، تاکنون ادامه دارد . این‌شعبه که قبلا بمنظور تربیه کردن پرسونل اداری برای وزارت معارف تأسیس شده بود، بعداً به اثرفیصله کمیته های توأمیت کولمبیا بحیث‌شعبهٔ تربیهٔ معلمین تغییرکرده است وپروگرام آن باهدف پرورش‌معلمان‌مطابقت‌ندارد. محصلان‌جداً میخواهند تا پروگرام کنونی که محتوی مبادی۳۵ مضمون پراگنده میباشد، بیک پروگرام مثمر ومفید مسلکی تعویض‌شود. محصلان درمورد مطالبات‌خود یک قطعنامه صادرنموده وطبق‌اطلاع‌درین اواخر با ساس مطالب همین قطعنامه با وز یر معارف صحبت‌کرده اند.گفته میشودکه وزیرمعارف تصمیم گرفته است تا امروز دربارهٔ مطالبات محصلان بااستادان پوهنځی جلسه ای دائر نماید وقرار وزارت‌معارف را در ینمورد صادر کند بهمین مناسبت محصلان تعلیم‌وتربیه‌فیصله کرده اند ، اعتصاب خودرا تاامروز ادامه بدهند بعد براساس‌فیصلهٔ وزارت معارف‌تصمیم بگیرند اهداف اعتصاب‌محصلان‌تعلیم و تربیه‌بصورت فورمولبندی شده قرار آتی است :

۱– باید ما را اداره چی ویا معلم‌درست تربیه کنند .

۲– با ید نصاب تعلیمی موجوددرپوهنځی تعلیم و تربیه که تحت تاثیر فرهنگ استعماری قرار دارد، متروک شود و نصاب تعلیمی جدید، مفید، مکمل، مترقی وطبق‌نیازمندیهای تو ده های عظیم خلق افغا نستان در عصر حاضر تنظم وتصویب گردد.

پرچم

هره دوشنبه خپریږی

دتأسیس کال : د۱۳۴۶ (کب) .
دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان (لائق)
آدرس : غوثی مارکیټ
محمد جانخان واټ
کابل، افغانستان

اشتراک
په مرکزکی دکال ۱۰۰ – افغانی.
په‌ولایاتو او پښتو نستان کی‌دکال ۱۱۰–افغانی.
له هیوادنه دباندی‌دکال۱۰– دالره
یوه ګڼه ۲–افغانی.

دولتی مطبعه

محصلان آگاه دار المعلمین عالی و شاگردان مبارز دارالمعلمین کابل به منظور تا مین خواستهای صنفی وحق تحصیلات‌عالی وتخصصی‌دست به اعتصاب زده اندکه جریان ونتایج‌آن درآینده نشر می‌گردد .

۱. عمر فیض - کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

-٤-

ترجمه وتلخیص میراکبر خیبر

وضع کنونی جنبش آزادیبخش ملی

در این زمینه باید بطور خاص چند کلمه راجع به عناصر مترقی صحبت کرد. عناصر مترقی و طن پرستان پرحرارت، مبارزین سر سپرده در راه آزادی کشور شان از یوغ امپریالزم و ترقی اجتماعی میباشند آنها علم برداران ایدئولوژی ای استند که باعتراف خود دموکراتهای انقلابی سلاحی میباشد که ثلث بشریت بواسطه آن به پیروزی درخشانی در مبارزه بخاطر سوسیالزم نایل گردیده و بنیاد وسیعی را برای پیروزی های تازه در سراسر جهان بوجود آورده است. نخستین جامعه سوسیالستی به اساس جهان بینی پیشرو آنها ساخته شد وکشور عقب مانده و فقیری رابه ارتفاعات رشد اقتصادی، تخنیکی وفرهنگی رسانید وبهبود مشخص و آشکار در حیات مردم آن بوجود آورد. همچنان دوران ۲۰ ساله رشد دموکراسیهای توده ای‌بر اساس سوسیالزم علمی نیز نیروی‌عظیم تغییر دهنده آموزش جهان بینی پیشرو را باثبات رسانیده است. عناصر مترقی کشور های مستعمره ونیمه مستعمرهٔ سابق که با سلاح جهان بینی علمی مجهز اند راهی راکه باید جنبش آزادیبخش ملی در این کشور هابپیماید بوضاحت تشخیص میدهند. آنها دربانجام رساندن وظیفه و طنپرستانه‌خود ایدئولوژی شانرا در خدمت ملت میگذارند ونظریات سوسیالزم علمی را در حل پرابلمهای مشخص کشور های خودبکارمی برند. عناصر مترقی دارای‌چنان کدر هایی‌میباشند که در کوره مبارزات آبدیده شده‌اند وتجربه وسیعی در امور سازمانی وکار تبلیغاتی در بین توده ها دارند.

اتحاد و همکاری برادرانه بین عناصر مترقی ودموکراتهای‌انقلابی به منفعت خلقها و به نفع مبارزه آزادیبخش ملی میباشد. وجود اختلافات ایدئولوژیکی مانع سهم گیری مشترک عناصر مترقی ودموکراتهای انقلابی در پیشبرد عملی پروگرام ترقی اجتماعی، در مبارزه مشترک بخاطر آینده سوسیالستی کشورهای‌نوبه آزادی رسیده نمی باشد. در شرایط معاصر **ترقی اجتماعی موفقانه وسریع تنها از راه اتحاد بانیروهای سوسیالیزم علمی جهانی امکان پذیر است.**

آنهائیکه چشم شانرا تعصب ضدیت با کشور های مترقی و خصومت باجهان بینی علمی کور نموده، نمیتوانند اینراه را تعقیب کنند.

تصادفی نیست که ضدیت با جهان بینی علمی بحیث سلاح‌مهمی از طرف امپریالستها وارتجاع‌داخلی در مبارزه علیه رشد مترقی انقلابات آزادیبخش ملی مورد استفاده قرار میگیرد. در کشور هائیکه قدرت در دست دموکراتهای انقلابیست شیوه های ملایمتر و ماهرانه‌تر ضدیت با سوسیالیزم علمی بکار برده میشود. تا همین نزدیکی ها امپریالستها ضدیت باجهان بینی علمی را به برهنه ترین، خشن ترین‌وبی رحمانه ترین آشکال آن مورد استفاده قرار میدادند.

هر نوع کوشش جدی در راه تحکیم استقلال ملی، اتخاذراه رشد مستقل اقتصادی و هر نوع‌انحراف از فلسفه به اصطلاح تشبث آزادرا عمل تخریبی اعلان می کردند ومورد حملات بیحث قرار میدادند. ناکامی این سیاست، بدنامی سرمایه‌داری وتلاش همگانی مردم برای‌اصلاحات اجتماعی، بالخصوص در کشور های کم رشد توام با اتخاذ سیاست های مترقی از طرف مستعمرات ونیمه‌مستعمرات سابق، امپریالستها را مجبور نمود که تکتیک خودرا تغییر دهند. جی. کرک رئیس پوهنتون کولمبیا گفته است که محافل رسمی در کشور های‌سرمایه داری بیش از پیش آمادگی خود را برای شناسائی این «واقعیت دوران معاصر» اعلان میدارند که «انکشاف آینده اقتصادی، سیاسی واجتماعی قسمت اعظم جهان طبق نمونه غرب نخواهد بود.»

آنها مجبور اند از حملات‌مستقیم برسیاست های دولتهائی که راه ترقی اجتماعی را در پیش گرفته‌اند، خود داری کنند. دیپلوماسی وتبلیغات‌امپریالستی‌مصرانه‌میکوشد به اثبات رساند که جهان بینی‌مترقی وپیشرو «ایدئولوژی مناسبی‌برای جریان نوسازی وانکشاف» نیست واز این طریق «بدگمانی سالم» رادر باره دولتهای سوسیالستی بوجود آورند (پ زیگموند). ایدئولوژی های ملل روبه انکشاف)امپریالستها هرچه بیشتر واکثر توام با اتهامات سنتی‌علیه کشورهای سوسیالستی میخواهند ذخایرخودرا با «تیوریهای» از قبیل «دوری مساویانه» «کشور های نوبه آزادی‌رسیده‌ازهردو بلاک» تقسیم جهان به ملتهای «فقیر» و «غنی» وغیره غنی تر سازند. یا بعبارت دیگر کوشش فراوان بعمل می آورند تا کشور های کم رشدی راکه راه ترقی اجتماعی را دربیش گرفته اند ازدولتهای سوسیالستی، ازایدئولوژی پیشرو دور نگهدارند.

امپریالستهاامید وارندکه بدینوسیله سد راه جریان طبعی رشد مزید اصلاحات اجتماعی و استحکام مواضع سوسیالزم علمی در این کشور ها گردیده و حتی جریان رشد آنها را بعقب بر گردانند.

بسیاری ازنمایندگان‌دموکراتهای انقلابی این تاکتیک های امپریالستی را بخوبی تشخیص داده اند و خطرات بزرگی راکه از ناحیه ضدیت با جهان بینی علمی متوجه آیندهٔ انقلابات آزادیبخش ملی میباشد تخمین وارزیابی مینمایند.

مبارزه‌ئی که در آخرین مرحله انقلابات آزادیبخش ملی صورت میگیرد، هم از نظر سرنوشت مستعمرات ونیمه مستعمرات سابق وهم بطور عموم از نظر جنبش آزادیبخش جهانی اهمیت فراوان دارد. این یك مبارزه مشکل، البته مشکلتر از مبارزه در مرحله گذشتهٔ انقلاب میباشد. مشکل این مبارزه تنها از رهگذر پیچیدگی وعمق موضوعاتی که در برابرآن قرار دارد، ومقاومت شدید یکه امپریالستها در برابر رشد مزید انقلاب می نمایند نیست، بلکه همچنان از ناحیه «موادی» که پایه‌اجتماعی انقلاب‌رادراین‌کشورها تشکیل میدهد میباشد. در بسیاری از مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق بنابرضعف طبقه کارگر محلی است که توده های وسیع دهقانان ومالکین کوچك که‌غرش مبارزات ضد امپریالستی و ضد استعماری آنها را از خواب‌فیودالی و حتی ما قبل فیودالی بیدار کرده است، خطوط اول انقلاباتی راکه هدف آن تعمیق تغییرات اجتماعی است اشغال می‌نمایند.

طبیعیست که آنها تعصبات، گمراهی ها و تزلزلهای مخصوص شانرابه جریان انقلاب باخود می آورند.

ولی، عروج انقلابی توده ها نیکه در مرحله اول انقلاب که از آتش پیکار ضد امپریالستی بیرون آمده‌اند، تناسب جدید قوا درجهان امروزی، پشتیبانی ای که کشور‌های سوسیالستی و نهضت بین المللی طبقهٔ کارگر از جنبش آزادیبخش ملی می نمایند، همه اطمینان‌میدهدکه‌جنبش آزادیبخش‌ملی معضلات‌جدیدخودرا موفقانه‌حل خواهد کرد. و به پیروزیها ئی نایل خواهد شدکه از نظر اهمیت خود کمتر از پیروزیها ئی نخواهد بود که کشور های مستعمره ونیمه مستعمرهٔ سابق تا اکنون بدست آورده اند.

از (ص اول)

راه پیمایی کارگران راه سازو...

نباید با انسانها بیکه شب و روز مصروف خدمت اند، چنان معامله شود.

٤- اجیرانیکه از سه چهار سال بابنطرف روی خانه را ندیده اند، وقتی‌باوصف‌موافقه‌انجنیر، بمقام‌مربوط مراجعه میکنند، بایشان گفته میشود «عریضه را تعوید کرده بگردن‌ببندید» اگر رخصت گیرنده اصرار ورزد، غالباً مورد لت وکوب قرار میگیرد وبعد بصورت معمول برایش گفته میشود، اگر از رخصتی منصرف نمیشوید، شمارابرای‌همیش رخصت میدهیم. ما کارگران جدا میخواهیم این‌وضع غیر قانونی خاتمه پذیرد وحقوق رخصتی ما را (سالانه ۷۰روز) بدون موانع بما بدهند.

۵- موتر هائیکه در جریان کار خساره مند میشوند، ترمیم خسارهٔ وارده خلاف انصاف از طرف آمرین پروژه بر دریوران تاوان میشود. ماختم این روش خلاف قانون را میخواهیم.

٦- بطرولیکه برای کار بموتر ها داده میشود باوصف اینکه به‌حساب کیلو متر بمصرف میرسد با آنهم دریوران در اخیر هر ماه باقی‌میشوند وتحویلداران توزیع بطرول فاضل، علت معلوم نیست.

۷- هر کارگر تازه‌وارد مجبور است برای‌شمول‌در کار رشوه بپردازد ویا از اولین معاش خود کارسازی کند و در غیر این، هیچگونه صفاتی مانندمهارت، سابقه داری و لیاقت معیار کار نیست.

۸- کرامت‌انسانی کار گران مورد تعرض دائمی آمران است، استبداد ظلم و سوء استفاده های شخصی، وانواع بیداد برکارگران تحمیل میشود که باید هر چه زودتر در اصلاح ورفع آن اقدامات شود.»

مطالبات راه سازان قهرمان قانونی‌است. بسا از مصارف تجملی وزائد دولت وبسا از بی نظمیها ودستبردها که اگر تحت کنترول آیند و به نفع کار گران بکار روند، دهها ضرورت فوری کارگران را تکافو میکند و در ایجاد کار بیشتر وعمران بیشتر اثر میگذارد.

پرچم: هم آهنگی و حمایت کامل خودرا از خواست کارگران کوهکن وراه ساز پروژه پلخمری- شبرغان اعلام میدارد ووظیفه خود میداند فریاد عادلانهٔ این کار گرانرا توسط نشرات خود به مردم افغانستان برساند.

(دلومړی مخ پاتې)

دپښتونستان . . .

چه هغه د هغوی چیرمین و، دهغه دستخط ماسره پروت دی او دمسلم لیگ دپارټۍ نه اول دپارلمنټ‌دپارټۍ دلیډربه حیثیت‌دسردار‌بهادر خان... مگر هغه نه داخبره وشوه چه چونکه نه دپارټۍ دمسلم لیگ ... نودهغې سره سره د یول پاکستان د مسلم لیگ . . . دکمیټی د لوی سکرټر قاضی عیسی دستخط کړی کاغذ دی ماسره چه هغه وایی یونټ دی مات شی. (نوربیا)

از (ص اول)

دربارهٔ انحراف راست...

نظام سرمایه داری روز بروزصحت تعالیم جهانبینی علمی را در باره تشدید تضادها وتناقضات جامعهٔ سرمایه داری وتشدید مبارزهٔ‌طبقاتی تائید میکند و توده‌های مردم بصورت روز افزون به تجربه می آموزند که نظام سرمایه داری و حکومت بورژوایی آلهٔ رنج وعذاب برای صد ها ملیون افراد زحمتکش، اصطلاح جهان آزاد امپریالیستی، جهان ترورآدمکشی «جهان استثمار وبی حقی، جهان پایمال کننده شئون وحیثیت‌انسانی و عزت نفس ملی، جهان ظلمت پرستی وارتجاع سیاسی، جهان عنان گسیختگی ملیتاریستی (نظامیگری) وسرکوب خونین زحمتکشان» است.

برین اساس منحرفین راست (سوسیال رفورمیستها) باامپریالیزم درسازش دایمی وهمکاری اند ودر بسیاری موارد نقش کاملا ارتجاعی وضد خلقی و ضد انسانی ایفا میکنند و همدست ارتجاع، استعمار ووامپریالیزم میباشند، وضد نیرو‌های مترقی، ضد جنبشهای آزادیبخش ملی و تغییرات بنیادی وکیفی وضد خلقی در خدمت‌استبداد قرار میگیرند. ولی باید درنظرداشت که تجربه تاریخی هم ورشکستگی ایدئولوژی و هم ورشکستگی‌سیاست سوسیال رفورمیزم را نشان داده است وجهان بینی علمی که منافع حیاتی طبقه کارگر واکثریت عظیم جامعه بشری را منعکس میسازد به پیروزیهای روز افزون نایل‌میشود. معهذلك هیچ وقت نباید نظرخودرااز خطری که از ناحیه تجدید نظر طلبی واپن الوقتی (اپورتونیزم) راست در جنبش مترقی وپیشرو عصر ما پدید می آید بدور داشت و باید درچهار چوب اصول علیه آن دلیرانه مبارزه کرد.

جریان انحرافی خورده بورژوائی چپ:

تجربه تاریخ مبین این حقیقت است‌که درکشور های عقب مانده‌چه در جریان جنبش وچه در زمان تحولات‌جدی، درنظام‌اجتماعی‌کهنه، انحراف چپ که انعکاس روحیهٔ خورده بورژوایی متزلزل، پرعقده وعصبانی است، شدت میبابد.

اینوضع در جهان کنونی بخصوص در آن کشور بزرگیکه دارای سنن دیرین شوینیزم عظمت طلبانه است وبهنگام در برابر روحیات انقلابیگری کاذب خورده بورژوازی وبورژوازی مقابله نگردیده است، در شرایط حدت مبارزهٔ طبقاتی شدت بیشتری‌کسب میکند. درچنین شرایطی است که خودکامی‌سیستم خورده بورژوازی وهرج ومرج طلبی، انقلابیگری یا ماجراجویی که‌باعمل‌انقلاب‌علمی‌وجه‌مشترك‌ندارد بروز میکند، نقش توده های خلق تنزل داده میشود ودر عوض نقش «پیشوای‌کبیر(...)» پیش کشیده میشود ودر نتیجه اراده و ذهن گروه هوا خواه آن در عرصهٔ ملی و بین المللی برین قرار میگیرد که باید با یك ضربت، با یك جهش دیوانه وار، در سمت «تازاندن» و «سوختاندن» مراحل ضروری جنبش، با یك یورش برای گذشتن از تمام مراحل ضروری و تسریع جنبش بر مبنای‌تحمیل‌اراده یك فردیا یك گروه منفرد از خلق وطبق‌نسخه منحصر بفرد انقلاب، تلاشهای‌ماورای انقلابی‌درتمام جهان سرمایه داری غرب و کشور های کم‌رشد آسیا، افریقا وامریکای لاتین بصورت یکسان وهم‌شکل بعمل‌آید. تاریخ‌نمونه های فراوانی را درجهان میشناسد که در آن کسانیکه در جنبش آزادیبخش ملی ویا در جنبش بورژوا دموکراتیک و حتی در جنبش سوسیالیستی شرکت داشته اند، هنگام تحول کیفی گذار بمرحله مترقی‌تر اجتماعی نسبت‌به‌جهانبینی علمی واندیشه های پیشرودرمواضع خصمانه قرار گرفته اند. در مراحل پیچیدهٔ این مراحل کیفی و گذار است که احزاب ورهبران خورده‌بورژوائی دستخوش چرخش و دگرگونی میگردند ودر نتیجه انحراف وخصومت آشکار آنها در برابر جهانبینی علمی بروز می کند وخطرجدی برای پیروزیها ی نیرو های ترقیخواه بوجود می آورد. شکست سیاسی و تغییر چهرهٔ این نوع افراد در کشور های مختلف جهان یک امر تصادفی نیست، بلکه معلول موضع طبقاتی، نظریات تئوریک‌وچگونگی‌درک آنان‌ازسیاست وتاکتیک‌است. لذاسقوط آنان نتیجه اشتباهات جداگانه‌وعقب‌نشینی های معین ازمواضع‌جهانبینی علمی‌نیست، بلکه نتیجه فلسفه غلط وخط مشی نادرست انحراف چپ خورده بورژوایی است که منحیث المجموع نظریات آنها را از موضع‌شوینیزم طلبانه و ماجراجویی‌خورده‌بورژوایی بسمت ابتذال وتجدید نظر در جهان بینی علمی میکشاند واسم آنرا «مرحلهٔ عالی» تکامل جهانبینی علمی اعلام میکنند. در حالیکه این «مرحلهٔ عالی» «منطق نوین ومترقی»را باسفسطه وشیوه التقاطی، درک مادی تاریخ را با اصالت اراده و ذهنی گری، تئوری مبارزه طبقاتی و تئوری علمی انقلاب را در واقع بادرک ملیتاریستی (نظامیگری) تبدیل میکند. همچنین این منحرفین در عمل نقش رهبری زحمتکشان، نقش سازمان سیاسی را بمثابه پیشاهنگ طبقه‌کارگر، نقش توده ها ی مردم‌را بمثابه‌نیروی عمده وتعیین کننده تکامل جامعه‌در تاریخ نفی میکنند ودر عوض‌اندیشه «قهرمانان»را بمثابه محرک‌عمده تاریخ وعبودیت وایمان به نیروی خارق‌العاده «پیشوای‌کبیر(!)» وتبلیغ عنان گسیخته‌کیش شخصیت‌رامطمح عمل ونظر قرار میدهند. این‌گروهای صف‌شکن و«انقلابی‌نما»درجهان‌بنابر روحیهٔ خورده‌بورژوائی وماجراجویانهٔ خویش نه تنها در هر کشورجداگانه تفسیرات و توجیهات نادرستی را پیش میکشند وعمداً اختلافات را دامن‌میزنند و باعث انشعاب وتفرقه در بین نیروهای دموکراتیک وترقیخواه میگردندو درآخرین تحلیل وسیله و بهانهٔ تحریکات امپریالیستی وارتجاع قرارمیگیرند بلکه تفسیرات نادرست وضد جهانبینی علمی خلاق وضد قانون عینی تکامل دوران معاصرجهان‌منجمله تفسیرات نادرست در برابر تضادهای‌اساسی دوران ما، در بارهٔ نقش جهانی سوسیالزم، جنبش‌کارگری و جنبش آزادیبخش‌ملی، در مسایل جنگ وصلح وهمزیستی مسالمت آمیز، در بارهٔ اشکال گذار به سوسیالیزم، در زمینه نقش شخصیت در تاریخ ..... وغیره، نیز مینمایندکه همه از انحراف خورده بورژوازی، و«بیماری کودکانه چپ روی......» سر چشمه میگیرد.

بطور مثال: «فقط یك خورده‌بورژوای «مافوق» انقلابی میتواند بخواهدکه انقلاب «فوراً»و«درهمه‌جا» بدون در نظر گرفتن شرایط قطعی موجود وتناسب قوا «شروع شود». فقط اوست‌که میتواندبرضد استفاده از راه مسالمت آمیز انقلاب اقدام کند. زیرا یگانه معیار «انقلابی بودن» برای او - توسل به اعمال جبر است، قطع نظر از ینکه موضوع که اوضاع ایجاب کند یا خیر».

آیا شرایط ووضع انقلابی آماده است یا خیر.

بدینجهت‌گروه های چپ‌رو خورده بورژوائی دربعضی از کشور های جهان در انحراف چپ تا جایی لغزیده اند، که اکنون بسیاری از اندیشه ها وتمایلات وروش تجزیه طلبانه وانشعابگرانه خودرا از تروتسکیزم گرفته اند. جنبشهای کنونی درپاره‌ئی‌ازکشورهای‌پیشرفته سرمایه داری وکشور های عقب‌مانده آسیایی، افریقائی وامریکای لاتین بیان کنندهٔ این حقیقت است که تمام منحرفین چپ و رانده شدگان سازمانهای مترقی، انارشیستها، تروتسکیستها، تروریستها، ماجراجویان، جواسیس ارتجاع، کینه جویان منفرد، جنایتکاران، عمال سازمان های جاسوسی امپریالستی، مزدوران انحصارات بزرگ سرمایه داری، مرتجعین، نژاد پرستان، فاشیستها و باند های آدمکشی برای ایجاد محیط جنگ و راه دادن بر شد سرمایه داری، استعمار وامپریالیزم، استبداد ودکتاتوری واختناق‌عملا دریك‌جبهه‌قرار گرفته‌اند و از طریق دشنام و ناسزا وواردساختن‌اتهام، دروغ، حملات هستریك (جنون آمیز) وبد نام‌کردن جنبش علمی انقلابی و عناصر ونیرو های صدیق ترقیخواه وطنپرست ودموکراتیک به بدترین مبارزه به نفع ارتجاع دست میزنند ودر نتیجه‌باعث‌شکست جنبشهای رهائی بخش ومسدود ساختن راه آزادی و ترقی اجتماعی ودموکراسی که جزء لاینفك مبارزه در راه سوسیالیزم است میگردند.

منحرفین و تجدید نظر طلبان چپ درجهان باطرح سیاست‌ناشیانهٔ خودکام خویش عملا وظیفه پولیس ارتجاع بین المللی را ایفاء میکنند وبا تمام جسارت دست به فتنه انگیزی وافشاگری نیرو های ترقیخواه اصیل‌میزنند تاکار پولیس ارتجاع را آسان کرده باشند ونیروهای افراطی‌دست‌راستی را به کرسی قدرت تثبیت نمایند و دست آورد های دموکراتیک مردم را از بین به برند.

این تمایل بدعت آمیز انحراف چپ‌وگروه «پیشواپرستان» درحالیکه مبارزه طبقاتی را تابع قوانین‌جنگ میدانند، در بارهٔ صلح وجنگ وانقلاب بشیوه امپریالیزم جنگ‌طلب چنین استدلال میکنند و باخونسردی میگویند: «اگر در جنگ جهانی نیمی ازجامعهٔ بشری نابود گردد، نیمی دیگرباقی میماند...». اینها در حقیقت طبق دستور و نسخه متحدالمال «صدور»

(درص۳)

از (ص اول)

مبارزات قهرمانانه ..

اشتراک کرده بودند، گزارشهای دردناکی از شیوهٔ استثمار تحمل‌شکن وشرایط ناگوار کار درفابریکه دادند که درایجاد تأثروهیجانات مظاهره‌چیان تاثیر عمیقی بجاگذاشت. درپایان فیصله گردید تابروز دوشنبه(امروز) دوباره اجتماع نموده وجواب‌موعودرا در برابر خواستهای خویش تقاضا نمایند وهمچنان بااستفاده ازتجارب چند روز اخیر که مقامات حکومتی وشرکت نساجی ذریعه تهدیدورشوه درمیان اشخاص بانفوذ محل رخنه نموده بودندوبدین وسیله‌میخواستند صفوف کارگران را پراکنده سازند، اعلام نمودند تا درآینده نیز مانند گذشته هوشیاری خودرا حفظ نموده وبهیچ نیروئی اجازه ندهندتاباتهدید وتطمیع ویاماجراجویی‌صفوف‌ایشانرا پراکنده سازد و همچنان باحفظ نظم آهنین وبا انضباط آگاهانه کار گری بطور مسالمت آمیز بمبارزات‌قانونی خویش ادامه دهند.

پرچم: این مبارزهٔ قهرمانانهٔ کارگران نساجی گلبهار را موجی از امواج پرتوان جنبش کارگری کشور تلقی کرده و این آگاهی روز افزون طبقهٔ جوان کارگر را طلیعهٔ رهائی زحمتکشان از یوغ سرمایه وستم میداند.

۱. عمر فیض - کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

دربارهٔ انحراف راست.....

از (ص ۲)

انقلاب را از طریق جنگ موعظه میکنند، در ینصورت هرگاه طبق فرمایش ودستور ونسخه متحد‌الشکل آنها دست به جنگ تباه کن زده نشود ودر امور داخلی کشور های دیگر مداخله صورت نگیرد واز انقلاب پی در پی جهانی‌تروتسکیزم پیروی نگردد، معنی اش آنست که این امر تبانی با امپریالیزم امریکا ودر موضع «مدافعین استعمارنوین» قرار گرفتن ودچار «رویزیونیزم» شدن است. این هواداران گوشی بفرمان در حالیکه خودشان بصورت سری و علنی با امپریالیزم جنگ‌طلب درسازش اند بدون اینکه در مورد آنچه که برای دیگران موعظه میکنند‌گام‌عملی‌بردارند، خود مصداق این ضرب المثل چینی میشوند: «جنگ ببرها را از بالای کوه باید تماشا کرد». آیا آنان این مقصد را ندارند که نیرو های صلح، آزادی ودموکراسی و ترقی‌اجتماعی وجوامع نوین بشری وملیونها انسان سیاره مارا قربان آتش‌جنگ جهانی گردانند وخود «ازبالای کوه»تماشاگرمعرکه باشند؟ آیاسیاست ناشی از انحراف خورده بورژوائی وفتنه انگیزانه وماجراجویانه آنان نبود که زمینه را برای قربانی دردناك صدها هزار انسان شریف و مترقی بدست ارتجاع سیاه در اندونیزیا مساعد ساخته و محصول ده هاسال مبارزه انقلابی ملیون ها مردم فداکار و زحمتکش را فدای‌هوس‌انقلابگیری خویش کردند وآنچه راکه بقیمت رنجهای عظیم ومشقت بدست‌آمده بود بسر نوشت غم انگیز وفجیعی مواجه ساختند و همچنان بشیوهٔ فتنه انگیزانه دیگری نیروهای ترقیخواه هند را مواجه بشکست وحشتناک گردانیدند.

آیا هم اکنون این گروه های ماجراجو به همدستی مرتجعین وسازمان جاسوسی امریکا درفرانسه موجب تفتین و نفاق در بین‌نیرو‌های رهائی بخش کار گران‌ومحصلان نشدند و عملا آله ووسیله ارتجاع بین المللی قرار نگرفتند ونهضت را بطرف انحراف چپ ودر نتیجه به نفع ارتجاع نمی کشانند؟ وده‌هامثال دیگر .... !

اینست سرچشمهٔ عقل وکیاست سیاسی وسیاست‌دگرگونی‌آقایان(!)

نیرو های ترقیخواه و طنپرست در حالیکه از نبرد عادلانه ملل تحت ستم برای استقرار استقلال وآزادی دلیرانه دفاع می نمایند، مبارزهٔ پیگیر بخاطر صلح رانه فقط بعنوان اجرای ماموریت تاریخی خود در مقابل بشریت، برای جلو گیری از امحای ملت ها درآتش جنگ هستوی ترمیك تلقی میکنند بلکه بعنوان مهمترین شرط بنای موفقیت آمیز دنیای نوین و مترقی وتوسعه مبارزه زحمتکشان کشورهای سرمایه داری و جنبش های آزادیبخش زیر یوغ امپریالیزم نیز تلقی مینمایند.

این تیوریسینهای‌خورده بورژوائی برای‌اینکه حتی‌الامکان به اتهامات کثیف خود صورت حقیقت بدهند، متوسل بشیوه سادهٔ وقدیمی میشوند، بدینترتیب: در حالیکه دو پدیده جریان واحد اجتماعی را بطور مصنوعی از هم جدا میکنند مبارزهٔ بخاطر صلح را رو بروی نهضت انقلابی قرار میدهند طوری وانمود میسازند که گویااین‌مهمترین وظایف، یکدیگر خود را نفی‌میکنند.

طبق نقشه .... آنها چنین‌معلوم میشود که کسیکه بخاطر صلح وبخاطر جلو گیری از جنگ جهانی مبارزه میکند، مخالف انقلاب است ومانع مبارزه انقلابی میشود».

باید خاطر نشان ساخت که پیدایش‌نیروهای عظیم‌صلح‌وسیستم های نوین اجتماعی آزادی عمل امپریالیست ها را در صحنه بین المللی محدود ساخته است، به این معنی که دیگر امپریالیزم در نیم قرن اخیر تفوق وبرتری خود را در عرصهٔ جهانی از دست داده است. اکنون ملتها نیرو هایی در دست دارند تا با فعالیتهای هم‌آهنگ خود از ظهور جنگ جدید جهانی جلو گیری کنند. معهذلك جداً باید متوجه بود تا زمانیکه امپریالیزم در جهان موجود است خطر جنگهای ظالمانه نیز وجود خواهد داشت. جنگ تجاوز کارانه ایالات متحده امریکا در ویتنام، تجاوز اسرائیل علیه ملل آزادی دوست عرب که بوسیله امپریالیزم تدارك دیده شده بود وده ها عملیات تحریك آمیز وسیاست تجاوز کارانه دیگر امپریالیزم همه حاکی از ینامر میباشد. لذابرای لگام زدن ارتجاع بین‌المللی وامکان ندادن‌به‌امپریالیزم که‌بشریت رابه مغاك جنگ‌ جهانی بکشاند، هوشیاری دایمی‌وتجهیز کلیه نیرو های ملل صلحدوست وآمادگی آنها را برای دادن جواب دندان شکن به اقدامات تجاوزکارانه امپریالیزم ایجاب میکند.

لذا بازهم‌باید به این اصل‌اساسی جداً متوجه بودکه علیرغم اتهامات بدون دلیل «انقلابی نماها» پیروان صدیق واصولی جهانبینی علمی « ضمن تقبیح ومحکوم کردن جنگهای امپریالیستی، جنگهای بمنظور دفاع از پیروزی های ملل در برابر تجاوز امپریالیستی، وبخاطر استقلال ملی وجنگهای طبقات انقلابی‌رابمنظور رفع‌تلاشهای نیروهای ارتجاعی‌برای اینکه‌حاکمیت خود را بکمك اسلحه حفظ نموده ویا اعاده نمایند، جنگهای عادلانه میدانند و ازین جنگها پشتیبانی مینمایند». دربن زمینه عمل بهترین ملاك حقیقت است نه حرافی جنگ طلبانه.

شگفت انگیز تر اینکه این گروه های منحرف خورده بورژوائی انقلابی نما علی‌رغم اصول جهانبینی علمی جسارت میکنند که سیاست عالیه همزیستی مسالمت آمیز را نفی کنند و یا از آن تفسیر ها وتعبیر های نادرستی به نفع ارتجاع و شعله افروزان جنگ بنمایند.

باید خاطر نشان کردکه اصل همزیستی مسالمت آمیز دولتهای دارای نظامهای اجتماعی گوناگون هیچگاه بمعنی همزیستی و آشتی ایدئولوژی و طبقات متخاصم نیست. «سیاست همزیستی مسالمت آمیز بامنافع اساسی همه خلقها و همه مردمی که‌خواهان جنگهای خونین جدید نیستند ودر راه صلح‌پایدار میکوشند، مطابقت دارد ... همزیستی‌مسالمت آمیز دول آنطوریکه تجدید نظر طلبان ادعا میکنند به هیچوجه بمعنی انصراف‌ازمبارزه‌طبقاتی نیست....».

«... در شرایط همزیستی‌مسالمت آمیز امکانات مناسبی‌برای رشد مبارزه طبقاتی در کشور های سرمایه داری و جنبش نجات بخش ملی خلقها در کشور های مستعمره ووابسته بوجود میآید. متقابلا موفقیتهای مبارزه طبقاتی ومبارزه نجات بخش ملی به تحکیم مبارزه طبقاتی کمك میکند».

صرف نظر ازینکه منبع خلاق‌بروز اصل همزیستی مسالمت آمیز در کجاست بعلاوه روشن است که پنج اصل (پانچا شیلا) چوانلای- نهرو بنام اصول همزیستی مسالمت‌آمیز در کنفرانس باندونگ که از کشورهای آسیا وافریقا تشکیل گردیدتاده اصل بسط یافته‌است. توجه‌بفرمایند درین‌کنفرانس‌کشورهای‌امپریالیستی شرکت نداشتند!

همزیستی مسالمت آمیز محتوی نکات زیرین است:

- دست بر داشتن از جنگ بحیث‌وسیلهٔ‌حل مسایل مورد اختلاف بین دول و حل این‌مسایل از طریق مذاکره؛
- برابری حقوق، تفاهم واعتماد متقابل بین دول، در نظر گرفتن منافع یکدیگر؛
- عدم مداخله در امور داخلی، قبول حق هر ملت برای حل مستقل کلیه مسایل کشور خویش؛
- رعایت اکید احترام حاکمیت و تمامیت ارضی همهٔ کشور ها،
- بسط دامنه همکاری اقتصادی و فرهنگی بر بنیاد برابری کامل ورعایت منافع متقابل.»

اکنون خواننده قضاوت کند که آیانفی اصول‌همزیستی مسالمت‌آمیز فوق که بمثابه ضرورت عینی تکامل جامعهٔ بشری تلقی میگردد دلیل برانقلابی بودن میگردد؟ آیاکسانیکه این اصول را تائید میکنند همدست باارتجاع اند و به اصطلاح مدافعین استعمار نوین‌اند؟ ویاخود بانفی آن در لجنزار تاریخ سقوط میکنند.

بهرحال باید خاطر نشان ساخت که ایدئولوگهای امپریالیستی درتفسیر همزیستی مسالمت آمیز مشابه به انحراف خورده بورژوائی موضع دیگری‌دارند وبامیل‌خودبه همزیستی مسالمت آمیز تسلیم نمیگردند. امپریالیزم تا جائیکه ممکن است سیاست تهاجمی و اشغالگرانه وسیاست مداخله جویی را در امور کشور های دیگر تعقیب مینماید. این نیرو های صلح ودموکراسی، آزادی و سوسیالیزم درجهان هستند که رعایت اصول‌همزیستی مسالمت‌آمیز را بوی تحمیل مینمایند. ولی جای تعجب اینست که گروه های‌چپ‌رو در جهان نیز سیاست اصیل همزیستی مسالمت آمیز را نفی میکنند ویا ازآن تفسیر و توجیه نادرست به نفع تمایلات امپریالیزم مینمایند و....

....

همچنین ده ها توجیه و تفسیر واستدلال نادرست از جهانبینی‌علمی و تحریف واقعیت ها که گروه پیشواپرستان چپ‌نما بدان دست میزنند وواقعیت های عینی را بمیل خود مستبدانه تغییر شکل میدهند، مسخ ومثله میسازند و ما بتدریج در اینده بر اساس اصول جهانبینی علمی خلاق به تحلیل وتشریح آنها خواهیم پرداخت. معهذلك بصورت مؤجز و فورمولبندی شده باید تشخیص داد که انحراف چپ بشکل انواع نظریات سوسیال بلانکیستی ظاهر میگردد. (بلانکیست‌هاطرفداران اوگوست بلانکی، انقلابی فرانسوی (۱۸۰۵ - ۱۸۸۱) استند نیرو های ترقیخواه اسلوب توطئه گرانه بلانکی را مورد انتقاد قرار میدهند. بلانکیزم مبارزه طبقاتی را نفی میکرد و راه خلاصی بشر را از قید بردگی مزدوری ازطریق‌توطئه اقلیت کوچکی از روشنفکران میدانست).

اگر منحرفین راست بامطلق‌کردن عنصر خود بخودی وشرایط عینی، جریان جنبش‌انقلابی‌را کندمیسازند، منحرفین چپ با مطلق کردن نیروی یك اقلیت کوچکی از روشنفکران خورده بورژوائی از طریق چپ روی و تلاشهای ما فوق انقلابی جریان جنبش را نه تنها کند بلکه آنرا به شکست هلاکتبار مواجه میسازند.

مطلق کردن عنصر خود بخودی وشرایط عینی واز نظر انداختن‌نقش عنصر آگاه (نقش پیشاهنگان‌جنبش، سازمان سیاسی طبقه کارگر، جبهه نیروهای ملی ودموکراتیك...وغیره) ازیکسو منتج به اپن الوقتی‌وانحراف راست و تسلیم طلبی به ارتجاع میگردد، از سوی دیگر مطلق کردن عنصر آگاه و از نظر انداختن نقش خود بخودی و شرایط عینی (رشد نیرو های تولیدی، تناسب عینی قوا درجامعه، وضع طبقات ودرجهٔ شعور سیاسی وطبقاتی وتشکل توده های مردم، مساعد بودن شرایط عینی داخلی وخارجی برای انقلاب) منتج به‌اپن‌الوقتی وانحراف‌چپ، میگردد. اولی ناشی از ایدئولوژی بورژوابی ودومی ناشی از انقلابیگری خورده بورژوائی است که بااصول‌جهانبینی علمی ومصالح خلق کارگر مباینت دارد.

درنتیجه: به کسانیکه واقعیات را تحریف میکنند وروش اصولی‌واخلاق مترقی را درمبارزه مطمح نظر قرار نمیدهند و از طریق صرفاً تحریفات غلط، مغازله باالفاظ وپخش‌یك مشت نظریات زهرآگین ویك سلسله‌دشنام و اتهام و دروغ بافی ها میخواهند یاوه سرائی کنند و حقایق عینی را تحریف نمایند خاطرنشان میگرددکه نیرو های صدیق و اصولی در سراسر جهان در صدد آن نیستند که به ناسزا ها ودشنام ها پاسخ گویند زیرا چنین روش‌نه تنها مخالف جریانات‌ترقیخواه وطنپرست است، بلکه آنجا که حرف حسابی، حقایق ومنطق چون صخره استوار است، نیازی بد شنام و ناسزا نیست، ولی لابد باید اعلام داشت که خط مشی خلاق ورزمنده‌را نتوان‌به‌اتهام‌وانتساب‌های بدون دلیل بدست آورد.

آنچه مبرهن است عبارت‌ازاینست که هم اکنون نتایج سوء جدل غیر اصولی وشیوه انشعابگرانه‌دسته‌های ماجراجو زیر نام جهانبینی علمی درهمه زمینه ها بخصوص در جهان سیاست کاملا بزیان جبهه صلح، آزادی و دموکراسی و سوسیالیزم وجنبشهای آزادیبخش کشور های آسیا، افریقا وامریکای لاتین‌ونهضت کارگری جهان منجر گردیده است.

ارتجاع و امپریالیزم در هر نقطه جهان ازنتایج سوء این‌حوادث‌وتفرقه وانشعاب وتشتتیکه درمیان نیروهای ترقیخواه بوجود آمده است حداکثر استفاده مینماید. هرگاه بشیوه های برخورد ودستگاهای تبلیغاتی محافل ارتجاعی امپریالیستی توجه گردد، بخوبی معلوم میگردد که سخنگویان شان این مرحله تشتت را در میان نیروهای ترقیخواه جهان «فرصت طلائی» اعلان میکنند. ریدرزدایجست (مجله امریکائی) می‌نویسد که: اختلاف بین نیروهای ترقیخواه «فرصت طلائی» برای بسط فعالیت امپریالیستها بوجود آورده است. دردایجست از زبان ریچارد نکسن چنین تذکر رفته است: «کسانیکه نظر شان اینست که باید فعلا عقب نشینی کرد و منتظر موقعیت بهتری شد، وضع فعلی راکه فرصت طلائی برای استفاده از موقعیت میباشد، بعلت بیمی که دارنددرنظر نمیگیرند، امروز دشمن (مطلوب نیرو های ترقیخواه و طن پرست وغیره - نویسنده) ضعیف ومشتت است و هیچ زمانی بهتر از حالا فرصت مناسب برای حمله بدست نخواهد آمد ...».

همچنین درروزنامهٔ «نیویارك‌تایمز» تذکر یافته که یکی ازعواملیکه‌شانس موفقیت مبارزات رهائی بخش ملی‌را کم میکند عبارت از اختلاف عظیم درمیان نیروهای ترقیخواه است که یکی علیه دیگربه شدت مبارزه‌میکنند و «آن انرژی که این گروه ها علیه‌هم مصرف میکنند، نمیتوانند علیه‌ایالات متحده مصرف شود.» ... و صدها مثال دیگر.

تشدید تجاوز (توجه کنید بالای کلمه تشدیدتکیه‌میشود وگرنه‌ماهیت امپریالیزم همیشه تجاوز کار است) وشیوه ددمنشانه امپریالیزم وارتجاع درکشور های کم‌رشد آسیا، افریقا وامریکای لاتین از نتایج سوء این انحراف چپ وماجراجوئی است که تاریخ وقضاوت خلقهای عظیم کارگر جهان مسؤولیت بزرگ آنرا بعهدهٔ تفرقه افگنان میگذارد که باعملیات انحرافی و انشعابگرانه خود باعث تضعیف نیروهای ترقیخواه وجنبش رهائی بخش میگردند وبه نفع‌ارتجاع وامپریالیزم عمل میکنند و ازینراه آب به آسیاب دشمنان‌طبقاتی‌خلقهای کارگر و ملل تحت ستم جهان میریزند. آنچه مسلم است و تجارب مبارزات رهائی بخش خلق کارگر مبین آنست عبارت از وحدت و همبستگی سیستم جهانی سوسیالیزم، جنبشهای کارگری جهان وجنبشهای آزادی بخش ملی بخاطر صلح، استقلال‌ملی، دموکراسی وسوسیالیزم در جهان میباشد که میتواند‌به تجاوز امپریالیزم وارتجاع خاتمه دهد وجریان عظیم جنبشهای دموکراتیك ومترقی جهانی راتسریع وبه هدف غائی رهبری کند و این امر درصورتی تحقق می یابد که نیرو های صدیق و مبارز و دلیر ترقیخواه وطنپرست‌پرچم ظفرنمون‌را درچهار چوب اصول علیه انحرافات چپ وراست‌استوار نگهدارندوازهیچ کوششی برای احیای وحدت اصولی برپایه جهانبینی علمی خلاق واسناد ومصوبات‌مربوطه دریغ‌نکنندودلیرانه درزیر این پرچم با ایمان شکست ناپذیر واعتقاد راسخ به نیروی‌خلقها درجهت تغییرات‌سریع بنیادی‌وکیفی اجتماعی‌پیش‌رود ودانش‌نوین‌وتئوری علمی پیشرورا‌باعمل مبارزه‌درآمیزد. نیرو ومشعل فروزان جهانبینی‌علمی خلاق پایان نمی‌پذیرد و هرگونه انحراف چپ وراست‌ازآن درزباله‌دان تاریخ می‌افتند، زیرا حقیقت زندگی آنرا تائیدمیکند، تنها اصول‌جهانبینی علمی خلاق میتواند مسایل اساسی مربوط به‌ترقی‌وتکامل جوامع‌بشری‌را از ریشه وبصورت بنیادی حل کند وبشریت را از تحت چنگال‌وحشیانه ارتجاع، ظلم و ستمگری و استثمار وامپریالیزم، ازفقر وجهالت وبیماری وجهل نجات دهد ودرسیارهٔ ماصلح و دموکراسی و دوستی بین ملتها وزندگی شایسته وسعادتمندانسانرا استقرار بخشند.

ره آورد عصر تاریخی نوین، ظفر مندی واقعی جهانبینی علمی زحمتکشان است!

کارگران فداکار وماهریکه بیکاری ودربدری

حیات شانرا تهدید میکند

عدهٔ قابل توجهی از کارگران، نامه زیرراکه‌نموداربرخوردستمگرانه‌شعبات بیرحم با مولدین، وسازندگان واقعی، یعنی کار گران‌محروم و ستمدیده کشور است، به ادارهٔ پرچم سپردند که مامضمون آنرا ذیلا بمطالعه خوانندگان ارجمند تقدیم میکنیم.

مابا فداکاری واحساس شریف وطندوستی سالها سینهٔ هندوکش را شکافته و شاهراه سالنگ، این شاهرگ اقتصادی واجتماعی‌کشوررا به وجودآوردیم، شاهراه تورغندی - قندهار، پروژه ننغلو، کانال ننگرهار، بند سرده، سرك کابل - قندهار، دوشی و شیر خان بندر را باصرف خون دل‌وعرق‌جبین‌وباتحمل گرما وسرمای طاقت فرسا ایجاد کردیم. از مشکلات نه هراسیدیم ومردانه باطبیعت سر سخت‌وشرایط بدکار نبرد کردیم، مرگ دوستان، رفقا ونزدیکان خودرا درحوزهٔ کار ودور ازبار ودیار بچشم‌دیدیم‌وتحمل کردیم. ولی دست از کار نکشیدیم وبه بنیان گذاری زیر بنای اقتصادی کشور عزیز‌خود‌شجاعانه‌وفداکارانه کوشیدیم واما نتیجه؟ ...

باانجام عده زیادی ازین پروژه‌ها، بدبختی وسیاه‌روزی‌ماکه این‌مبارزه‌را بخاطر آبادی کشورخود پیروزمندانه بسر رسانیده ایم، آغاز شد. زیرا کسی نتوانست باایجاد پروژه های جدید مارا جذب کند، بنابران آواره وسر گردان، شهر به شهر واداره به اداره میگردیم، اما کجاست آن گوش هوشی که به فریاد های دردناك این جمع پریشان بدهکار شود؟

بیچارگی ازین بیشتر نمیشود که ما باوجود اینهمه خدمت وتلاش صمیمانه وباوجود اینهمه مهارتهای فنی که در دوران کار فرا گرفته ایم، امروزه نمیتوانیم به نگاه های پرتمنی والتماس آمیز اطفال گرسنهٔ خود جواب دهیم، نمیتوانیم دوای اولیای ناتوان ومریض خودرا تهیه کنیم ولا اقل بازالهٔ فقر غذائی مقاومتی دربرابر مرض وناتوانی درآنها ایجاد نمائیم، معهذا هرگز حاضر نیستیم طویلهٔ فیودالان را جاروب زنیم ودست تگدی به این وآن‌دراز نمائیم. بنابران بدنبال تهیه یك شغل شرافتمندانه پیگیرانه تلاش‌می‌کنیم.

بالاخره باشنیدن اعلانی ازرادیو افغانستان مبنی بر اینکه ریاست میخانیکی فواید عامه بکارگران فنی ضرورت دارد، گلی ازگلهای‌آرزوهای ماشگفت، ولی دریغا که بزودی پژمرد !...

باین معنی که ما باسیل خروشانی «ازبیکاران‌وباامیدواری‌فراوان، بدانسو شتافتیم وبالاخره از انبوه امیدواران به تعداد یکصدوهشتاد نفر انتخاب ورسماً بغرض ایفای خدمت‌به‌پلخمری اعزام شدیم. آنجاهم مانند مابیکاران فراوانی باانتظار کار نشسته بودند، بهمه حال امتحانات‌فنی بپایان‌رسید، روزها تپیدیم‌وچه رنجهاکه نکشیدیم تا ازولایات مربوط خود ضمانت‌خطها آوردیم وبالاخره کارمان بیك جمله تمام شد: «بمابودجه نرسیده، بشما ضرورت نیست!» نمیتوانیم بگوئیم تاثیر انفجاری این‌جمله درروح‌وذهن ماچه بود، معهذا بکابل شتافتیم، ریاست میخانیکی مکتوبی بما داد، دوباره به پلخمری رفتیم باز هم چه میتوانست باشد جز: «همان‌آش وهمان کاسه!» برای سومین بار بکابل آمدیم، باز مکتوبی بما دادند و به مرجع آمال خویش پلخمری شتافتیم، ولی این بار جواب تازه ودندان شکنی (!) گرفتیم وآن‌اینکه: «شما بلوائی و انقلابی هستید بشما ضرورتی نیست!»

اکنون شما قضاوت کنید، سه‌ماه دویدن وتپیدن، رنج بردن و امتحان دادن، قرض کردن وضمانت آوردن، شبها وروز ها سفر کردن وبیخوابی کشیدن و بالاخره باز هم بیکاری ودربدری !

آیا مسؤولیت عواقب خطر ناك ونامطلوب اینهمه بیدردی واحساس عدم مسؤولیت بگردن کیست؟ وکجاست آن مقامی که داد از حمایت مظلومان دربرابر اینهمه خودسریها وبی‌بند وباریها میزند ؟!